

متن پیاده سازی شده جلسه پنجاهم خارج فقه القضا 14 دی 1399

بسم الله الرحمن الرحيم

ما مشخصا با سه جوابی مواجه هستیم که جناب آیت الله مکارم به آن سه پرسش داده اند و ما می خواهیم این ها را بررسی کنیم. سؤال اول با پاسخ جناب ایشان و ملاحظات سه گانه ای که ما بر آن داشتیم گذشت. چنانکه سؤال دوم، جوابی که داده شد البته جواب جواب نبود چون گفته شد که از جواب بالا معلوم شد ما هم قبول کردیم ولی نکته اش این بود که جواب بالا که جواب اول باشد مناقشه داشت قهرا مناقشات ما در این جواب هم معلوم می شود. باز هم ما هم سؤال دوم را بررسی کردیم هم پاسخش را و هم نقدش را.

سؤال سوم، پاسخ به آن و نقد

سؤال سوم این بود که اگر قاضی محکمه بنابر ظاهر پرونده یعنی بنابر شهادت شهود دلالت ادله و مدارک حکمی را صادر کرد، بعد حکم خلاف واقع باشد، گاهی کشف نمی شود که هیچی اما اگر کشف شود آیا جناب قاضی بریء الذمه است یا ضامن است؟ به عبارت دیگر تمام قضاوت هایی که صورت می گیرد و بعد کشف خلاف می شود قاضی ضامن است یا نه؟ خلاصه اگر قاضی حکم کرد و خلاف درآمد آیا ضامن است یا نه؟

ایشان پاسخ داده است که اگر قاضی طبق موازین قضاوت کند و کشف خلاف شود ضامن است ولی ضمانت او از بیت المال پرداخت می شود. پس دو ادعا شد. یک ضامن است (اگر قضاوتش طبق موازین قضا بود) و دو ضمانتش را بیت المال می دهد. البته ایشان نمی خواهد بگوید اگر طبق موازین قضا نبود ضامن نیست، در آن جا مسلم ضامن است اما در آن جا خودش باید پرداخت کند.

ما در این جا چند سؤال داریم:

این که می فرمایید طبق موازین باشد آیا مراد موازین شرعی است یا موازین قانونی است؟ فرض سؤال کننده این است که بین این ها متفاوت است. او می گوید برخی اوقات طبق موازین تشکیل شده است و قاضی هم قضاوت کند نمی گویند طبق موازین قضاوت نکرده است ولی واقعا طبق موازین تنظیم نشده است مثلا اقرار به زور گرفته شده است. پس این که شما می فرمایید منظور موازین شرعی است یا موازین قانونی است؟ اگر بگویید طبق موازین شرعی که شما سؤال این آقای را پاسخ نداده اید چون فرض پرسشگر طبق همین موازینی است که تهیه می شود و نزد او می آید است و شما طبق این فرض باید پاسخ بدهید. حال اگر قاضی بر این فرایند اشکال دارد آیا می تواند قضاوت کند که بگوییم ضامن است و بیت المال می دهد؟ پس در واقع ایشان پاسخ پرسشگر را نداد.

ثانیا قاضی ضامن است ضمانتش را بیت المال می دهد یعنی چه؟ از اول بگویید بیت المال ضامن است. من متوجه نمی شوم قاضی ضامن است اما بیت المال می دهد یعنی چه؟ جالب این است وقتی سراغ ادله می رویم مثلا در روایت ابو مریم هست که: قضا امیرالمؤمنین ع ان ما اخطأت به القضاة فی دم او جرح فعلی بیت مال المسلمین نه فعلی القاضی و یؤدی عنه بیت المال، طبق بیان ایشان باید گفته می شد فعلی ذمه ی قاضی ولی ادا می کند بیت المال که بعد باید بحث می کردیم که این یعنی چه که بر عهده ی قاضی است ولی بیت المال ادا می کند؟ فقها هم که من نگاه کردم دیدم مستقیم متوجه خود بیت المال می

کنند حتی قانون جمهوری اسلامی اصل 171 قانون اساسی می گوید هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر مقصر طبق موازین خودش ضامن است ولی در غیر این صورت خسارت به وسیله ی دولت جبران می شود و اصلاً نگفته خود قاضی ضامن است و گفته است توسط دولت جبران می شود یا ماده ی 485، 486، 13 از قانون مجازات اسلامی 92، هیچ کجا ندارد که قاضی ضامن است البته تصریح نکرده که بیت المال ضامن است ولی گفته بیت المال می پردازد که ظاهرش ضمان است. ممکن است کسی بگوید ما مشابه حرف ایشان را داریم آن جایی که آقای خویی به تبع صاحب جواهر در بحث عاقله می فرماید: عاقله دیه را می پردازد ولی عاقله ضامن نیست، اما حکم تکلیفی می آید سراغ عاقله. یعنی خود خاطی ضامن است اما وجوب تکلیف متوجه عاقله است در این جا هم بگوییم خود قاضی ضامن است اما وجوب ادا متوجه بیت المال است. پاسخ این است که در همان جا هم ما نفهمیدیم و من مفصل در نقد قانون مجازات آن مطلب را نقد کردم. و این مطلب مناقشه دارد.

نکته ی دیگر: آیا بیت المال در مواردی که مسئولیت دارد پرداخت خسارت کند مثلاً دیه را بپردازد از باب مسئولیت مدنی است، یعنی ضامن است یا از باب مصلحت است؟ خیلی این ها با هم متفاوت است اگر از باب مسئولیت مدنی و ضمان باشد مثلاً اگر در یک جایی بیت المال کمتر از خسارت است مثل این که افراد زیادی کشته شده اند، هواپیمایی اسقاط شده است و الآن بیت المال جواب نمی دهد می خواهند قسمت کنند، اگر از باب مسئولیت مدنی باشد نمی توانیم بگوییم چه کسی فقیرتر است چه کسی غنی است، اول به چه کسی بدهیم، مثل موارد دیگر که دین بیشتر از دارایی است و دارایی کمتر از دین است تقسیم می شود بین طلبکاران در این جا هم باید تقسیم بشود چون بر اساس مبنای ضمانت است ولی اگر بر اساس مبنای مصلحت باشد که بیت المال المعد لمصالح المسلمین و بعد باید از باب مصلحت یا لمصلحة الناس، ممکن است بگوییم اول باید به قشر محروم داد یا فرض کنید جایی است که یک مصلحتی اقتضا می کند که اول به شخص خاصی داده شود و پای مصلحت به میان می آید. ما نظرمان این است که این احتمال بسیار قوی است که بیت المال پرداخت می کند خسارت را ممکن است یک جا مصلحت باشد در پرداخت اگر این طور باشد باید ادبیات را تغییر داد و این طور گفت که: در صورتی که قاضی طبق موازین قضاوت کند بیت المال خسارت را می دهد. تعبیری هم که در قانون اساسی بود هم با مبنای مصلحت سازگار است و هم با مبنای مسئولیت مدنی سازگار است. قانونگذار جمهوری اسلامی هم مثلاً در ماده ی 485 این گونه تعبیر می کند: دیه از بیت المال پرداخت می شود.

همیشه هم بحث دیه و خطا نیست مثلاً اگر دولت بخواهد جبران خسارت بکند. یک حرکتی کرده و ضررهایی به مردم خورده، اگر به مسئولیت دولت معتقد باشیم و دولت بخواهد جبران کند آیا مسئولیت است یا مصلحت است؟ یا مثلاً در بحث کرونا دولت می خواهد از بیت المال استفاده کند، بگوییم دولت مسئولیت دارد یا دولت باید مصلحت را مراعات کند؟

الحمد لله رب العالمین